

سه‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۱۶ • ۹

| <p><b>روزنامه شرق</b></p>                  |         |
|--------------------------------------------|---------|
| <b>جهان</b>                                |         |
|                                            |         |
| اهمیت صادرات در توسعه صنعت خودروسازی ایران | صفحه ۱۰ |
| عرصه سیاست از فناوری فضایی جداشت           | صفحه ۱۱ |
| گمنام کویر نشین تاب یاد                    | صفحه ۱۲ |

|              |
|--------------|
| <b>گزارش</b> |
|--------------|

قاضی‌زاده و خانیکی بررسی کردند

### حجم اخبار بد افزایش یافته یا نحوه انتشار متفاوت شده؟

**عسل عباسیان**

حجم اخبار ناگوار منتشرشده افزایش یافته، شایعات هم به‌واسطه وایبر و واتساپ و سایر شبکه‌های اجتماعی، مدام دست‌به‌دست می‌شوند و دیگر کمتر می‌شود مرز میان خبر و شایعه را شناخت. مدتی پیش شنیدیم برخی لبنیات آلوده به روغن پالم هستند، چندروز آن‌طرف‌تر هم مسوولان «بحران آلودگی» را گوشزد کرده‌اند. یکی، دوروز پیش هم که پرونده «مرغ‌های سربی» روی میز شورای شهر رفت. آیا انتشار این‌همه خبر، آن‌هم از نوع «بد» در مدت کم، می‌تواند استرس مردم را افزایش دهد؟ بعضی از این اخبار دیگر شایعه‌های منتشر شده در گوشه‌وکنار فضای مجازی نیستند و توسط دولتمردان بعضا تایید شده‌اند. آیا تغییر محسوسی در نحوه انتشار و تایید اخبار در این یک‌سال‌وچندماهی که از آغاز به‌کار دولت‌یازدهم می‌گذرد، اتفاق افتاده یا نحوه مکالمه اعضای دولت با مردم فرق کرده؟ بحث برسر نحوه گفتمان نیست، بحث برسر بازتاب واقعیت‌هایی است که می‌تواند جنبه نگران‌کننده داشته باشد. هادی خانیکی و علی‌اکبر قاضی‌زاده، دو استاد حوزه روزنامه‌نگاری و ارتباطات به تحلیل این فرآیند پرداخته‌اند.

قاضی‌زاده بر وظیفه رسانهای و بر پروسه ضرورت باخبرشدن مردم تکیه می‌کند: «خبری همچون وجود روغن پالم در لبنیات، هول‌آور است یا آگاهی‌رساننده؟ اینکه ما بگوییم کشور با بحران بی‌آبی روبه‌روست این اطلاع‌رسانی است یا نگران‌کردن شهروندان و وظیفه رسانه‌ها، بزرگ اداری است. اگر اخبار، به‌موقع و درست منتشر شوند، اتفاقا مردم را از بحران‌هایی که با آنها روبه‌رو هستند باخبر می‌کنند و این آگاهی باعث می‌شود تا همدلی مردم برای کنارزدن بحران هم برانگیخته شود».

در این میان، سوالی مطرح می‌شود که چطور در دولت نهم و دهم هم‌چیز مدام انکار می‌شد؟ از رئیس دولت وقت تا مدیران بخش‌های کوچک و بزرگ اداری، انکار تأییدکاری تحمیرها، بحث واردات ماشین‌های گران‌قیمت با ارز داروهای نایاب و... از جمله واقعیت‌هایی بود که توسط مسوولان وقت کتمان می‌شد و حتی رسانه‌ها را از پرداختن به آنها بازمی‌داشتند.

گردش آزادانه اطلاعات، از ویژگی‌های رکن چهارم دموکراسی است. هادی خانیکی می‌گوید: «در جامعه‌ای که اطلاع‌رسانی آزاد وجود دارد، امنیت بیشتر است، وقتی جامعه تشنه خبر باشد و نیازش رفع نشود، شایعه‌سازی شدت می‌گیرد.» این استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی خبر را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند و ادامه می‌دهد: «به عبارت دیگر «خبر» جدا از نوع نگاه سیاستگذاران خبری و متقابلا فهم یا خوانش مخاطبان و کاربران نیست. باید سیاستگذاران خبری به این موضوع قابل باشند که خبر در زمره نیروهای جامعه و از جمله حقوق آنهاست. دولتمردان به‌موقع می‌توان حتی شکاف‌های موجود در جامعه را ترمیم کرد. با این رویکرد اعتماد بین فرستندگان خبر و گیرندگان آن به وجود می‌آید. حتی صداقت در بیان و صحت اطلاعات باعث بالارفتن سطح اعتماد می‌شود. به‌طوریکه وقتی جامعه با شرایط بحرانی مواجه است و سوانح و حوادثی پیش می‌آید، اتفاقا دادن اطلاعات به‌موقع و درست و صادقانه مؤثرتر عمل می‌کند. به این دلیل که اتفاقا در ایام بحرانی، مخاطبان، شهروندان و کلیت جامعه بیشتر دنبال کسب خبر هستند و دربرگیری خبر بیشتر می‌شود و به همان نسبت حساسیت بیشتر می‌شود. اگر در ایامی که نیاز هست، اطلاع‌رسانی درست نباشد شایعه گسترش می‌یابد.»

او بر رویکرد سیاستگذاران خبری در این پروسه تأکید دارد: «نگرش و رویکرد دولت‌ها و سیاستگذاران خبری در شکل‌گیری این پروسه موثر است؛ درست مثل رویکردی که مدت‌ها پیش در حوزه علم پزشکی وجود داشت. در گذشته نه چندان دور اغلب پزشکان به بیمار سرطانی، واقعیت را نمی‌گفتند تا مبادا روحیه‌اش تخریب شود.

ترجیح‌شان این بود که بیمار به‌صورت قطره‌چکانی و با واسطه ماجر را بفهمد تا روحیه‌اش را از دست ندهد. گاهی هم بیمار اصلا تا زمان مرگ نمی‌فهمید چه مشکلی دارد. بعدها اخلاق پزشکی به این نتیجه رسید که باخبری بیمار از مشککش حق اوست.

این استدلال که وقتی بیمار بداند بیماری صعب‌العلاجی دارد، ممکن است بخواهد برای باقی عمرش تصمیم بگیرد و این فرضیه را مطرح می‌کرد که شاید اصلا وقتی بیمار بداند چه بیماری‌ای دارد بهتر برای درمان همکاری کند. با این مبانی و رویکردها به نظر من آنچه در دولت‌یازدهم به چشم می‌خورد این است که اساسا حقوق شهروندی مدنظر و موردتوجه است و حتی به‌عنوان تجربه‌های اجتماعی در بسیاری از مسوولان مختلف این دولت این را می‌توان دید».

ادامه در صفحه ۱۲

## شرق

## روزنامه

## جهان

|                                                   |
|---------------------------------------------------|
| <b>اهمیت صادرات در توسعه صنعت خودروسازی ایران</b> |
| <b>عرصه سیاست از فناوری فضایی جداشت</b>           |
| <b>گمنام کویر نشین تاب یاد</b>                    |

|                |
|----------------|
| <b>یادداشت</b> |
|----------------|

### نقش بین المللی جولی

**آرش چنانی**

«نستوه» (۲۰۱۴) دومین فیلم «آنجلینا جولی»، پس از فیلم «در سرزمین خون و عسل» (۲۰۱۱)، است که برای نخستین‌بار در نوامبر۲۰۱۴ در سیدنی استرالیا، جایی که ساخته شده، به نمایش درآمد و نمایش جهانی آن از ۲۵ دسامبر آغاز شد. این فیلم تاکنون ۱۱۸میلیون‌دلار برای فیلمی که ۶۵میلیون‌دلار هزینه ساختش بوده، فروش داشته است. آنجلینا جولی همواره موردتوجه

بوده است و این‌بار فیلم «نستوه» سبب شده تا از منظری دیگر به رویدادهای جهان نگاه کند. او برای اکران این فیلمش دبداری با پاپ داشته و همچنین در این روزهای پرتبوتاپ جنگ در گوشه‌وکنار دنیا اعلام کرده است که فرزند هفتم خود را از میان کودکان سوری انتخاب می‌کند. این‌بار در فیلمش نیز به‌سراغ نوجوانان رفته است. فیلمنامه نستوه براساس کتابی با عنوان کامل «نستوه، داستانی از جنگ جهانی دوم، داستان بقا، استواری و رستگاری» از «لورا هیلن براند»، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی، است. هیلن براند در این کتاب به زندگی «لوریس زامپرینی»، قهرمان دو مسافت که در ۱۹۱۷ و «آلنوادهای از مهاجران ایتالیایی به دنیا آمد، پرداخته است. زامپرینی، که نوجوانی لاابالی است، به وسیله برادرش پی به استعداد خود در ورزش دو می‌برد و پس از آن، همه تلاش خودش را برای قهرمانی در این رشته به کار می‌گیرد و چنان پیشرفت می‌کند که برای شرکت در مسابقات جهانی المپیک برلین در ۱۹۳۶ انتخاب می‌شود. آنجا اگرچه به قهرمانی دست نمی‌یابد اما چنان لیاقتی از خود نشان می‌دهد که «آدولف هیتلر» رئیس‌استار دیدار خصوصی با او می‌تد تا خود شخصا به او تبریک بگوید. زامپرینی پس از آغاز جنگ جهانی دوم در نیروی هوایی ارتش آمریکا خدمت می‌کند.

پس از سقوط هواپیما روی قایبانوس آرام و ۲۷روز سرگردانی روی آب، به اسارت نیروهای ژاپنی درمی‌آید. فیلم در ادامه نشان می‌دهد که چگونه زامپرینی در اردوگاه بر همه سختی‌ها و شکنجه‌ها چیره می‌شود و جان به‌در می‌برد. نستوه، مثل بسیاری دیگر از فیلم‌های هالیوودی، عرصه جدایی میان خیر و شر است. در نستوه این جدال از همان کودکی به درون زامپرینی در اردوگاه بر همه جهان پراهمونی او کشیده می‌شود؛ و جان به‌در در اردوگاه که فرمانده ژاپنی می‌کوشد به هر وسیله‌ای او را به زانو درآورد و نمی‌تواند. آنجلینا جولی تا پیش از خواندن کتاب نمی‌دانست که زامپرینی واقعی در همسایگی او در تعبیری طعنه‌آمیز به پچاهی در هالیوود تشبیه می‌کند که نتوانسته در ساخت فیلم از سطح فراتر رود.

یادداشت ۱۲



عکس، AP

## اروپای سال ۲۰۱۵ و خطر تروریسم

که می‌تواند در فردای انفجاری با انجام یک اقدام انتحاری، برای اجرای عدالت! با بمباران گسترده دیگری به انتقام برخیزد. در ابتدا همه برای قربانیان حادثه نخست اندوهگین و خواهان انتقام هستند. اما در فردای آغاز انتقام، دوباره همه برای قربانیان جدید به اندوه و سرزنش می‌نشینند.

(داستان ۱۱ سپتامبر و حمایت و همراهی با آمریکا برای قربانیان و حمله به افغانستان و سپس سرزنش و سوگواری برای افغانستان و ایضا عراق و...) و باز باید این سیکل به شیوه‌های گوناگون استمرار یابد که می‌یابد و جهان چه ساده و چه آسان و به‌راحتی به این دور باطل خو کرده است. گویی همیشه این اولین‌ها! در نوع خود و در جغرافیای جدید، سخت، محرک و دردناک، پرتلاطم و ناگوار است. حادثه پاریس نیز چون بی‌سابقه یا کم‌سابقه و بی‌مثل و مثال است جهانی را به خود مشغول و افکار بسیاری را باز نسبت به تروریسم و تروریست‌ها به خود معطوف می‌سازد. «البته بی‌شک باید چنین باشد.» مرگ نابهنگام و ناخواسته و تروریستی یک انسان در هر کجای جهان باید پرتنین و واکنش باشد، کاش «ارزش انسان» در سراسر جهان به یک وزن و میزان می‌بود و تروریسم و ترور و خشونت و جنگ‌های داخلی، قومی، نژادی، مذهبی در همه‌جا به‌صورت یکسان محکوم و مطرد می‌شد.

**تحلیل موردی**
محکوم‌کردن و تاسف‌خوردن از ماجرای بیرحمانه پاریس- شهری که مدعی و قبه‌گاه روشنفکران دهه‌های گذشته جهان و بخش عمده‌ای از دنیای معاصر و به‌خصوص بعد از جنگ جهانی است- در هفته گذشته اتفاق افتاد اما از ورای آن، حتما باید به نکت زیر توجه کرد:

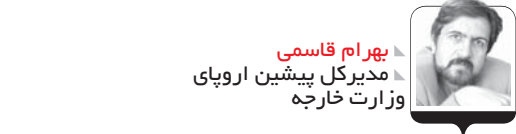
- این واقعه اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر رشد گروه‌های ملی‌گرا، نژادپرست در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی، جهان و حتی خاورمیانه خواهد داشت که در صورت تحقق چنین وضعیتی اروپای آینده اروپایی کاملا متفاوت از اروپای امروز و دیروز خواهد بود.
- پیش‌بینی‌ها برای انتخابات آتی (۲۵ ژانویه) یونان، حکایت از برد حزب نسبتا نوظهور رادیکال «سی زبیرا» دارد که حداقل در شعارهای قبلی، مخالف ادامه حضور یونان در اتحادیه، حوزه پولی یورو و مخالف بازپرداخت بدهی‌های یونان بوده است. (آنچه تاکنون می‌گویند، در فرانسه جبهه ملی‌گرای راست افراطی ضد یورو و اتحادیه و ضد مهاجر، خانم لوین در آخرین انتخابات این کشور از رای بالا و غریقبال تصویری برخوردار شد و مدت‌هاست گفته می‌شود تنها خود را برای رسیدن به البزه مها می‌کنند. در ایتالیا، اسپانیا، آلمان، سوئد و بسیاری دیگر از کشورها طی سالیان اخیر و به‌خصوص بعد از بحران اقتصادی اروپا، احزاب کوچک رادیکال ملی‌گرا و افراطی اعم از چپ و راست یا احزاب فاشیست و حتی نازی است که از آرا و حتی کرسی‌هایی در مجالس این کشورها برخوردار شده‌اند و در این میان، کشورهای اروپایی پرمشکل‌تر حوزه مدیترانه، درد مشترک دیگری دارند، که باز آنها را از دیگران بیشتر متمایز می‌کند. امروز لندن در مورد ماندن یا نماندن در اتحادیه ساز دیگری می‌نوازد و باید در یک رفتارنوم عمومی تعیین‌تکلیف کند. واقعه پاریس می‌تواند به تمامی افکارعمومی کشورهای اروپایی پیام و توصیه‌ای داشته باشد که می‌توانند به این‌گونه احزاب رادیکال و افراطی که برخی مخالف فاشیست مهاجران و ضدخارجی و ادامه حضور در اتحادیه اروپا و... هستند اعتماد بیشتری کنند. وقایع پاریس مگر به دست عناصری از جامعه مهاجران اتفاق نیفتاده است؟ مگر بیشتر عناصر ساده‌لوح جذب‌شده در داعش از میان جامعه مهاجران این کشورها نبوده‌اند؟ این نوع نگاه می‌تواند در شکل‌دادن به آینده جوامع اروپایی بسیار خطر‌ساز و تعین‌کننده باشد.

- این روزها نمایندگان و وزرای کشورهای اتحادیه اروپایی به کرات گرد هم آمدند تا در مورد وضعیت امنیتی اروپا و راهکارهای جدید تبادل‌نظر کنند. بدون شک با توجه به قانون شکنی و آزادی تردد بین کشورهای عضو شکن و نبود کنترل در مرزها، امنیت در اروپا بیش از هر جای جهان، امری به‌هم‌پیوسته و چسبیده است، بنابراین هر حادثه‌ای در هر نقطه‌ای از اروپا، تهدید و زنگ خطر را برای تمامی کشورهای دیگر به یک اندازه، اما قطعا به اندازه‌ای که نگرانی‌ها را افزایش دهد، به صدا درمی‌آورد.

- اروپایی مواجه با بحران اقتصادی، بیکاری، تورم، کسری بودجه و بدهی‌های فراوان، حالا باید بی‌شک بر هزینه‌های امنیتی خود بیفزاید و بخشی از درآمدهای خود را صرف مسایل امنیتی و حفاظت از ساختارها و اقتدار خویش کند. اروپایی که نتوانسته بود بعد از ۱۱سپتامبر تا حدی خطر را از درون خود به خاورمیانه برگرداند و تا حدی احساس آرامش بیشتری کند، حالا باز با ظهور داعش خود را در خانه خود احساس می‌کند.

- بعد از بحران اوکراین و تصرف «کریمه» توسط روس‌ها و ادامه بحران و افزایش تحریم‌ها و شکاف مجدد میان آمریکا و روسیه و بالاچبار درگیرشدن اروپای جدید و قدیم در رویارویی و وضع تحریم‌های متعدد علیه روسیه و اجبار مجدد کشورهای جدید و قدیم اروپا به افزایش توان و بودجه نظامی خود (در کنار سایر کمک‌ها به اوکراین) حالا باید در حوزه تأمین امنیت داخلی نیز علاوه بر افزایش بودجه و امکانات، نیروی بسیاری را به کار گیرد.

ادامه در صفحه ۱۲



با پایان جنگ سرد و صف‌آرایی شرق و غرب، بر زبان بسیاری از نخبگان و اندیشمندان اروپایی سخنانی زیبا و امیدبخش جاری شد که نوید جهانی دیگر و حکایت دنیایی بهتر از گذشته را به تصویر می‌کشید. آنان می‌اندیشیدند که با توجه به تمامی داشته‌های خود و با اتکا به ارزش‌های اروپایی و در سایه اتفاق و همکاری آغازشده، زمان آن فرارسیده است که یک‌به‌یک کشورهای اروپایی (اعضای اتحادیه) با اندکی گذشت و کاستی از اختیارات ملی خود به‌نفع اتحادیه، در بنای یک قدرت منطقه‌ای و جهانی جدید، به نام اتحادیه اروپا تلاش کنند.

گسترش شگرف و سریع تعداد اعضای اتحادیه اروپا از ۱۵کشور به ۲۸کشور تا امروز، رواج پول واحد اروپایی، «یورو» به‌عنوان یک افتخار و دستاورد بی‌مثال تاریخی، خروج حداقلی از سلطه و تعهدات نسبت به ایالات‌متحده آمریکا در برابر اتحاد شوروی، تجارت آزاد، برداشتن مرزها، (موافقتنامه شنگن)، ادغام و ثبات و همگرایی و صدها توافق و تفاهم دیگر، آرزوهای دیرینی بودند که در گذشته، دست‌رسی به آنها رویایی «ناشدنی» می‌نمود و تصورش خواب و خیال بود اما تصور در آن سال این بود که همه‌موهمه «شدنی» بودند. اما اروپا و تحولات جهان و سیر حوادث، نه‌تنها اروپا، که سایر نقاط جهان را زیر ضربات نابهنگام مشت‌های آهنین تغییر و تحول خود، دچار مصایب مهلکی کرد که در گذر زمان و امروز، رفته‌رفته آثار و عوارض منفی ناشی از سیاست‌های غلط قدرت‌های مسلط و حتی برخی از اروپاییان را نمایان می‌کند. تصویر و واقعیت اروپا و جهان امروز، در مقایسه با تصویری که جهان و اروپای بعد از دوران فروپاشی شوروی به‌عنوان آرزوها و امیال آتی و آتی و شدنی ارایه می‌دادند، کمتر شباهتی به هم دارند. حوادث تلخ پاریس که نمونه‌ای کوچک از ده‌ها جنایت و کشتاری است که هرروزه در مناطقی از جهان و به‌خصوص در حوزه‌هایی مانند عراق، سوریه و یمن در جریان است، زنگ‌ها را دوباره و بعد از حوادث ۱۱سپتامبر در جهان غرب به صدا درآورده است.

**نه‌فقط اقتصاد**

تمامی پیش‌بینی‌هایی که طی ماه‌های اخیر از وضعیت اروپا در سال ۲۰۱۵ به عمل آمده بود حکایت از آن داشت که مردم اروپا در سال‌جاری میلادی با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای باید دست‌وپیچ نه‌نم کنند. اگرچه بیشتر این نگاه و تصور و تصویر در حوزه اقتصادی و مشکلات ناشی از تضعیف یورو و بحران‌های اقتصادی حاکم بر کشورهای حوزه یورو و جهان اروپا بود اما واقعه پاریس و کشتار در یک هیات تحریریه مجله فرانسوی، در نخستین روزهای سال و ادامه تهدیدهای گروه‌های تروریستی و تکفیری در مورد ادامه حملات به کشورهای عضو ائتلاف علیه دولت اسلامی «داعش» و به‌خصوص فرانسه، می‌تواند اعلام خطر و آغازی بر یک دوره از بروز تنش‌ها و ماجراجویی‌های بیشتر امنیتی در حوزه اروپا و جهان باشد.

**تروریسم در خانه**

بسیاری در گذشته نه‌چندان‌دور بر این اعتقاد پای می‌فشردند که تحولات و درگیری‌های قومی، مذهبی، آشوب و هرج‌ومرج‌هایی که در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص در افغانستان، عراق، سوریه، یمن و... جاری است چیزی نیست جز طراحی برخی کشورهای غربی و آمریکا، برای بازگرداندن دوباره تهدیدات و خطرات امنیتی از حوزه آمریکا و اروپا به خود منطقه و به مبدا، اولیه بحران، یعنی خاورمیانه و در مجموع قدرت‌های جهانی جنگ را به‌واقع «خانگی و بومی» و در منطقه خاورمیانه محصور و از خود دور کرده‌اند. و چنین است که چندی است وضعیت منطقه به‌خصوص در عراق، سوریه و حتی افغانستان، یمن و... بسیار آشفته و پرتلاطم و دهشتناک به نظر می‌رسد و کمتر روزی است که انفجار یا عملیات انتحاری، امواجی از انسان‌های بیگناه را قربانی خود نکند. (کشتارهای سرگرم‌کننده انبوه و بومی در میان اعراب و مسلمانان)، حوادثی که امروز در جهان و از جمله در اروپا و آمریکا تا حدی به اخباری عادی، طبیعی و قابل‌پذیرش و حتی «الزامی» تبدیل شده است. دیگر یک انفجار انتحاری با تعداد کشته‌های ۵۰ یا صدنفر در عراق یا سوریه و... کمتر هولناک است و جلب توجه می‌کند. اینجا کشتار بخشی عادی از زندگی و اخبار روزانه منطقه است. درست برخلاف دیگر نقاط در جهان غرب. از این‌رو حادثه تلخ فرانسه، تنها دیگر یک حادثه نیست یک فاجعه است؛ یک تراژدی بی‌مثال و بی‌نظیر در تاریخ جمهوری فرانسه است.

حادثه پاریس برای نزدیک به ۷۲ساعت تمامی اخبار جهان را تحت‌الشعاع خود قرار داد و به نگرانی و اضطراب و ترس مردم اروپا بسیار افزود.

البته، جهان امروز ما، از شوربختی یا خوشبختی! جهان متعارف، متوازن و متعادلی نیست، ملو از تضاد و تناقض‌های بی‌شمار است و گویا این از خصلت آدمیان امروزی یا از ویژگی‌های سیاسی قدرت‌های مختلف است